یادداشت روز

راز ناکامی برجام لابه‌لای یک کتاب خاطرات

۱- «سال ۲۰۱۶ یکی از موفقیت‌آمیزترین سال‌ها در تاریخ حکومت اسلامی ایران بود». این عبارت، ارزیابی راهبردی «شاول شای» (معاون پیشین شورای امنیت ملی رژیم صهیونیستی) است. او پیروزی‌های خیره‌کننده ایران و متحدانش در عراق و سوریه و یمن را سند ارزیابی خود عنوان می‌کند. محافل بسیاری در تل‌آویو و واشنگتن و لندن و برلین و پاریس هستند که مشابه همین ارزیابی استراتژیک را درباره قدرت تعیین‌کننده و بلامنازع ایران در تحولات منطقه غرب آسیا دارند؛ حال آن‌که اغلب همین محافل درباره برجام قضاوتی دیگر ارائه می‌کنند و معتقدند غرب از این طریق، بخشی از قدرت ایران را مهار کرد. اگر ایران به نحوی تحولات منطقه را مدیریت کرد که آمریکا مثلاً از تحولات سوریه حذف شد، در مقابل، دولت رو به پایان و بی‌دستاورد آمریکا، برجام را بزرگترین دستاورد خود برای مهار بخشی از قدرت فزاینده ایران می‌داند. این دوگانه چگونه قابل تبیین است؟ چرا ماجرای مذاکرات هسته‌ای ۱۲ ساله، برخلاف روند تصاعدی قدرت ایران حرکت کرد و حاصل آن به نقطه‌ای رسید که امروز دولتمردان ما از آن به عنوان «تقریبا هیچ»، «نقض عهد»، «دبه درآوردن»، «ادامه و تشدید تحریم‌ها» و «کارشکنی» یاد می‌کنند؟ کدام اتفاقات، باعث شد تیم مذاکره‌کننده نتواند در تراز اقتدار منطقه‌ای بلامنازع جمهوری اسلامی، پای میز مذاکرات ظاهر شود؟

۲- دو تعبیر حکیمانه از امیرمومنان علیه‌السلام در «غررالحکم و دررالکلم» نقل شده که به غافلگیری اشاره می‌کند. «من نام عن عدوّه، انبهته المکاید. هر کس نسبت به دشمن خواب باشد، نقشه‌ها و نیرنگ‌ها او را بیدار می‌کند» و «من نام عن نُصرةِ ولیّه، انتبه بِوَطاةِ عدوّه. هر کس از یاری مولای خود غفلت کند و خواب بماند، با لگد دشمن بیدار می‌شود». تلخی‌های ماجرای عبرت‌آموز- و فتنه‌آمیز- برجام، از غفلت نسبت به دشمن و کوتاهی نسبت به برخی هشدارهای رهبر حکیم انقلاب سرچشمه می‌گیرد. در منطق رهبر انقلاب که از مکتب امام خمینی(ره) و آموزه‌های اسلامی نشأت می‌گیرد، «بی‌اعتمادی مطلق به قدرت‌های سلطه‌گر و در راس آنها آمریکا، یکی از اجزای مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی است و این بی‌اعتمادی باید روز به روز گسترش یابد» اما برخی مسئولان و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان متاسفانه درک درستی از این رکن قدرت نداشتند. جریان نفوذ موجب تحریف‌ها و خطای‌فهم‌هایی در این میان شد تا آن‌جا که رهبر انقلاب ۲۸ شهریور ۹۵ در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران ضمن تبیین جایگاه بی‌اعتمادی به آمریکا در قدرت نظام، فرمودند «متاسفانه برخی حاضر نیستند این بی‌اعتمادی را قبول کنند و اگرچه به زبان می‌گویند آمریکا دشمن است اما احساس واقعی بی‌اعتمادی به آمریکا در آنها وجود ندارد... هنگامی که در انسان احساس دشمنی و بی‌اعتمادی به طرف مقابل وجود داشته باشد، در مذاکرات و دیدارها، الزامات آن را رعایت می‌کند».

۳- اصرار به برجسته‌سازی اختلاف درباره مقاومت یا تسلیم و تداعی دودستگی در کنار اصرار بر ناچارنمایی جبهه خودی، از دلایل مهم ناکامی در مصاف با دشمن است. تصور کنید درست در زمانی که امیر مومنان(ع) برای دفع شرّ اردوگاه معاویه اقدام به جهاد کرد؛ صحابه‌ای مانند ابوموسی اشعری در کوفه پیدا می‌شود که ورود به جنگ را آلودن دست به خون مسلمین می‌داند و دعوت به ترک جهاد می‌کند. چنین صاحب منصبی اسباب تهییج دشمن می‌شود.

از سوی دیگر پیروزی یک شرط مهم دارد. به تعبیر علی‌بن ابیطالب(ع) «الظفر بالحزم و الحزم بأجالةُ الرأی و الرأی بتحصین الاسرار. پیروزی با احتیاط و دوراندیشی است؛ و احتیاط با مشورت و تدبیر؛ و چاره تفکر و تدبیر، حفاظت از اسرار است» (حکمت ۴۸ نهج‌البلاغه). قطعاً آمریکا و غرب ۱۰ برابر ما نیاز به مذاکره و توافق داشتند اما فرض کنیم این نسبت، برعکس بود. آیا چنین نیازی را که راز تلقی می‌شد، باید جار می‌زدیم؟ جای «تحصین اسرار» در این قبیل ادبیات پشت سر هم که گفته شد «آمریکا کدخداست»، «خزانه خالی است»، «آمریکا ظرف ۵ دقیقه می‌تواند تمام توان نظامی و دفاعی ما را نابود کند»، «ما نمی‌توانیم مقابل قدرت‌ها بایستیم، آن هم شعارهایی که بعضاً توخالی است، ما باید همراه شویم»، «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» و «باید توافق انجام شود تا بتوان مشکل رکود و اشتغال و تولید و آلودگی هوا و آب خوردن را حل کرد». اظهار عجز و ضعف- که بخش عمده آن ناشی از نفوذ زدگی و خطای محاسباتی بود- نه تنها ترحم دشمن را به همراه نیاورد، بلکه مانند رساندن بوی خون به مشام گرگ‌های درنده بود.

۴- آقای روحانی رأساً مرتکب خطایی شد که قبلاً چوب مشابه آن را در آغاز مذاکرات (۱۳ سال پیش) از مجلس و دولت اصلاحات خورده بود. او در صفحه ۱۷۴ کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» می‌نویسد «در آستانه مذاکرات تهران چند اتفاق ناگوار افتاد. اول اینکه یکی از سفرای ما در اروپا در مذاکره‌ای به مقامات آن کشور گفته بود ایران برای توقف غنی‌سازی آمادگی دارد. من فوراً با آقای خاتمی تماس گرفتم و گفتم من از اول نمی‌خواستم این مسئولیت را بپذیرم و می‌دانستم وزارت خارجه همکاری نمی‌کند... دومین مسئله آن بود که تعدادی از نمایندگان مجلس [ششم] طرح ۳ فوریتی برای الزام دولت به پذیرش پروتکل الحاقی را امضا کرده و در پی آن بودند که تقدیم مجلس کنند... با آقای کروبی صحبت کردیم و خوشبختانه ایشان مانع شد و طرح در صحن مجلس مطرح نشد ولی متأسفانه سفرای اروپایی از تهیه این طرح با خبر شده بودند. مسئله دیگر این بود که پیش از آنکه وزرای اروپایی به تهران برسند، رئیس جمهور در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود ما تعلیق را می‌پذیریم. به تیم مذاکراتی گفتم در مورد پروتکل الحاقی که در مجلس طرح ۳ فوریتی تهیه کرده‌اند، تعلیق را هم که رئیس‌جمهور اعلام کرده، من دیگر قرار است بر سر چه موضوعی مذاکره کنم؟». قطعاً روزی امثال آقایان ظریف و عراقچی قبیل این جملات را خواهند گفت و نوشت که ادبیات کسانی چون [...] و [...]، دست ما را پیشاپیش در مذاکرات بست و جای مقاومت و چانه‌زنی نگذاشت.

۵- موضوع اما باز تلخ‌تر از این حرفهاست. جفای بزرگ زمانی کلید خورد که موضوع مذاکرات، دستمایه و موضوع تبلیغات انتخاباتی آقای روحانی و طیف مدعی حمایت از وی شد. از همین جا یک مسئله مهم ملی و در حال پیگیری، تبدیل به ابزار گروکشی انتخاباتی و سپس گروگان‌گیری منافع ملی از سوی دشمن شد. «پیروزی به هر قیمت در انتخابات»، هر چند در آغاز شیرین و مهیج می‌نمود، اما در میانه و انجام خود، نوعی بدهکاری و به گروگان رفتن را به همراه داشت. بنابراین ایستگاه بعدی، «توافق به هر قیمت و با هر شرایط» بود. هنرمندانی از سوی دستگاه دیپلماسی تحریک شدند تا بگویند هر توافقی بهتر از عدم توافق است. در آن سوی میدان، گرگ‌های دیپلماسی دشمن هر بار با صدای بلندتر گفتند «عدم توافق، بهتر از توافق بد است و ما عجله‌ای برای توافق نداریم». در این معامله شبه ربوی و نزولی، گام سوم از همه تلخ‌تر است؛ حفظ و اجرای یکطرفه توافق به هر قیمت ولو نقض سیستماتیک و مداوم برجام. این سومی، پیام صریح به حریف است، حاکی از اینکه در باره بدعهدی ذره‌ای تردید نکنید؛ چون ما آویزان پوسته بی‌محتوای توافقیم و نمی‌خواهیم بپذیریم راه را اشتباه آمده‌ایم و باید اصلاح کنیم! معلوم نیست به فلان مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور (با سوابق امنیتی) چه قدر ربط دارد- یا چه قدر شهوت دیده شدن در میان است- که در توئیتر می‌نویسد «در شرایط کنونی محرز است رئیس‌جمهور جدید آمریکا تلاش خواهد کرد با اقدامات ایذایی و فشارهای تبلیغاتی، ایران را وادار به نقض عملی برجام کرده و از این طریق، بهانه‌های لازم برای تأسیس، تمدید یا تشدید تحریم‌ها علیه ایران را فراهم کند». مشاور نابغه! تمدید (تأسیس!) ۱۰ ساله تحریم‌های موسوم به ISA، «تحریم» نیست؟!

۶- خبرگزاری و سایت «خبر آن‌لاین»، یک خبرگزاری خصوصی نیست که هر چه دلش خواست بنویسد؛ وابسته به معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد و دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت است. چند روز پس از آن که ماجرای مشکوک و توهین‌آمیز توزیع سبد کالا در بهمن ۱۳۹۲ اتفاق افتاد، همین خبرگزاری در نهایت رذالت نوشت «در توزیع سبد کالا، حرف و حدیث‌های بسیاری گفته شد. روحانی نه یک رئیس‌جمهور فرهنگی است و نه دغدغه بسیاری از مسائل دیگر را دارد. او رئیس‌جمهور دیپلمات است که باید اجازه داد مهم‌ترین دغدغه دولت را به انجام برساند. توزیع سبد کالا به مردم - با شیوه‌ای انجام شد- نه یک اتفاق بود و نه عملی که تبعات آن برای روحانی و مردانش غیرقابل پیش‌بینی باشد. او دقیقاً همین اتفاق- ازدحام، دعوا و مرافعه و احیاناً له شدن در زیر دست و پا- را پیش‌بینی می‌کرد و اصلاً آن را برای پیشبرد استراتژی خود لازم داشت [!!]... نگاه کنیم به اظهارات اخیر وندی شرمن که گفته است «شما در اخبار دیدید که ایران اخیراً به طور قابل مشاهده‌ای، غذا بین مردم فقیر جامعه‌اش توزیع کرده تا نشان دهد کاهش هدفمند و محدود تحریم‌ها، تأثیر مستقیم بر مردم این کشور داشته است». به هر حال این دقیقاً همان نتیجه‌ای بود که روحانی از توزیع سبد کالا در میان مردم داشته است؛ این که تحریم‌ها بر روی مردم ایران تأثیر مستقیم و انکارناپذیر داشته. این که اوضاع اقتصادی مردم ایران نه تنها رو به راه نیست بلکه حاضرند برای چند عدد تخم‌مرغ و چند کیلو برنج با یکدیگر درگیر شوند[!!]... درست است که روش توزیع کالا چندان مناسب نبود اما اگر با این نمایش بتوان جایزه اول بهترین اثر را در فستیوال سیاست جهانی به خود اختصاص داد، به تحقیر چند روزه‌ای که بازیگران آن شدند، می‌ارزید».

نام این قبیل ادبیات، اگر خیانت و وطن‌فروشی نباشد، بلاهت و سفاهت محض است و قطعاً پشت اندیشه و زبان چنین گویندگانی، شبکه نفوذی لانه کرده که به روش موریانه‌ها مشغول خوردن ریشه‌های شعور و شخصیت سیاستمداران است.

محمد ایمانی

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی :

هوش وافر و صمیمیت کم‌نظیر او تکیه‌گاه مطمئنی برای همه به ویژه اینجانب بود

در پی رحلت رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام، حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (رضوان‌الله‌علیه)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت ایشان را تسلیت گفتند.

متن پیام به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

انّا لله و انّا الیه راجعون

با دریغ و تأسف خبر درگذشت ناگهانی رفیق دیرین، و همسنگر و همگام دوران مبارزات نهضت اسلامی، و همکار نزدیک سال‌های متمادی در عهد جمهوری اسلامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی را دریافت کردم. فقدان همرزم و همگامی که سابقه همکاری و آغاز همدلی و همکاری با وی به پنجاه و نه سال تمام می‌رسد، سخت و جانکاه است. چه دشواریها و تنگناها که در این دهها سال بر ما گذشت و چه همفکری‌ها و همدلی‌ها که در برهه‌های زیادی ما را با یکدیگر در راهی مشترک به تلاش و تحمل و خطرپذیری کشانید. هوش وافر و صمیمیت کم‌نظیر او در آن سالها، تکیه‌گاه مطمئنی برای همه کسانی که با وی همکار بودند به ویژه برای اینجانب به شمار می‌آمد. اختلاف‌نظرها و اجتهادهای متفاوت در برهه‌هایی از این دوران طولانی هرگز نتوانست پیوند رفاقتی را که سرآغاز آن در بین‌الحرمین کربلای معلّی بود به کلی بگسلد و وسوسه خناسانی که در سال‌های اخیر با شدّت و جدیت در پی بهره‌برداری از این تفاوتهای نظری بودند، نتوانست در محبت شخصی عمیق او نسبت به این حقیر خلل وارد آورد.

او نمونه کم‌نظیری از نسل اوّل مبارزان ضد ستم‌شاهی و از رنج‌دیدگان این راه پر خطر و پر افتخار بود.

سال‌ها زندان و تحمل شکنجه‌های ساواک و مقاومت در برابر این همه و آنگاه مسئولیت‌های خطیر در دفاع مقدس و ریاست مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و غیره، برگهای درخشان زندگی پرفراز و نشیب این مبارز قدیمی است.

با فقدان هاشمی اینجانب هیچ شخصیت دیگری را نمی‌شناسم که تجربه‌ای مشترک و چنین درازمدت را با او در نشیب و فرازهای این دوران تاریخ‌ساز به یاد داشته باشم.

اکنون این مبارز کهنسال در محضر محاسبه الهی با پرونده‌ای مشحون از تلاش و فعالیت گوناگون قرار دارد، و این سرنوشت همه ما مسئولان جمهوری اسلامی است.

غفران و رحمت و عفو الهی را برای وی از صمیم قلب تمنا و به همسر گرامی و فرزندان و برادران و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

غفرالله لنا و له

سیدعلی خامنه‌ای

۱۹ دیماه ۱۳۹۵

شامگاه دیشب در پی عارضه قلبی

آیت الله هاشمی رفسنجانی دعوت حق را لبیک گفت

سرویس سیاسی -

آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام شامگاه دیشب در یکی از بیمارستان‌های تهران دعوت حق را لبیک گفت.

وی که به دلیل عارضه قلبی در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شده بود علیرغم تلاش پزشکان در سن ۸۲ سالگی دارفانی را وداع گفت.

محمد حاجی آقاجانی معاون درمان وزیر بهداشت در خصوص اقدامات پزشکی انجام شده برای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: ایشان در ساعت ۱۸ روز یکشنبه به طور ناگهانی دچار ایست کامل قلبی شدند.

وی افزود: ایشان بلافاصله به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل شده و در اورژانس با حضور یک تیم کامل پزشکی و مجرب عملیات احیا آغاز شد.

حاجی آقاجانی گفت: متاسفانه در ساعت ۱۹:۳۰ پس از ۹۰ دقیقه، تلاش پزشکان بی‌نتیجه ماند و روح ایشان به ملکوت اعلی پیوست.

حسن روحانی رئیس‌جمهور عصر دیروز در بیمارستانی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آن بستری شده و دار فانی را وداع گفته بود، حضور یافت.

حسین مرعشی عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران گفت: مراسم تدفین آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، سه‌شنبه ۲۱ دی‌ماه (فردا) برگزار می‌شود.

مرعشی افزود: پیکر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به جماران منتقل شد.

نگاهی به زندگی‌نامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۱۳ در نوق رفسنجان به دنیا آمد.

نام خانوادگی هاشمی برای خانواده ایشان، با آن که سیّد نیستند، به این دلیل انتخاب شده است که نام جدّ پدری وی حاج‌هاشم بوده است که در سرتاسر منطقه، املاک و امکانات زیادی داشته است. هاشمی تحصیل را، از سن ۵ سالگی در مکتب‌خانه‌ای در نوق آغاز نمود. در سن ۱۴ سالگی به قم رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت و به درجه اجتهاد نائل گردید. در حوزه علمیه قم دروس مختلف را در محضر استادانی چون آیات عظام بروجردی، امام خمینی(ره)، داماد، گلپایگانی، حایری یزدی، نجفی مرعشی، علامه طباطبائی و ...فرا گرفت.

وی در آنجا تحت تاثیر تعلیمات امام خمینی (ره) به سیاست روی آورد و به مبارزه با رژیم پهلوی پرداخت. با تبعید امام(ره)، نقش هاشمی در مبارزه با شاه و نمایندگی امام در داخل کشور پررنگ‌تر شد.

هاشمی در سال ۱۳۳۷ با عفت مرعشی که دختری از خانواده روحانی و از نوادگان سید محمد کاظم طباطبایی یزدی است، ازدواج کرد . ثمره این ازدواج ۵ فرزند به ترتیب و به نامهای فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فعالیت سیاسی خود را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد. او در دوران قبل از انقلاب، بسیار به امام نزدیک بود. هاشمی در دوران پیش از انقلاب و در طول نهضت امام خمینی (ره) به صورت یک عضو فعال و همیشه در صحنه حضور داشته است. نمونه بارز حمایت ایشان از امام خمینی(ره)، حرکتی بود که ایشان به همراه دیگر علما در اعتراض به زندانی شدن امام انجام دادند. هاشمی در طول مبارزات بارها به زندان افتاد و از سوی دژخیمان رژیم شکنجه شد.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مصدر خدمات زیادی به انقلاب و مردم ایران شد. عضویت در شورای انقلاب، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست مجلس خبرگان رهبری و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام بخشی از مسئولیت‌های آن مرحوم در طول دوران متمادی خدمت به جمهوری اسلامی است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در شهریورماه ۱۳۸۶ به دنبال رحلت آیت‌الله مشکینی رئیس‌فقید مجلس خبرگان رهبری در دومین اجلاس سالانه دوره چهارم مجلس خبرگان، به ریاست این مجلس مهم و تأثیرگذار برگزیده شد. وی اسفند سال ۱۳۸۹ ریاست مجلس خبرگان رهبری را به آیت‌الله مهدوی کنی سپرد.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با حکم رهبر معظم انقلاب، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را از بهمن‌ماه سال ۱۳۶۸ تا پایان عمر برعهده داشت.

کیهان: درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را تسلیت می‌گوییم.

از سوی هیئت دولت و به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه روز عزای عمومی و روز سه‌شنبه تعطیل اعلام شد

هیئت دولت به مناسبت درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، سه روز عزای عمومی و روز سه‌شنبه ۲۱ دی ماه را تعطیل عمومی اعلام کرد.

در پی درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام هیئت دولت بیانیه‌ای را بدین شرح صادر کرد:

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

عالم مجاهد ، انقلابی نستوه و یار دیرین حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه که عمر پر برکت خود را در شکل گیری انقلاب اسلامی، استقرار نظام جمهوری اسلامی و ایفای مسئولیت‌های خطیر در اداره کشور و دفاع مقدس سپری کرد به دیدار معبود شتافت. نام، یاد و آموزه‌های آن یار سفر کرده همواره بر تارک ایران و انقلاب اسلامی در درخشش و الگوی وفاداران به آرمان‌های انقلاب اسلامی خواهد بود.

هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران این ضایعه بزرگ را به حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا فداه، مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، علما و مراجع بزرگوار تقلید، خانواده گرامی ایشان و ملت شریف ایران تسلیت عرض می‌کند و به مناسبت تجلیل از این یار دیرین امام و رهبری سه روز عزای عمومی و روز سه‌شنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۵ را تعطیل عمومی اعلام می‌کند و ملت قدرشناس ایران را به شرکت باشکوه و تاریخی در مراسم تشییع پیکر پاک ایشان دعوت می‌نماید.

خبر ویژه

قرار بود ارزش پول ملی با برجام ۲۰ درصد کم شود؟!

عضو مرکزیت حزب منحله مشارکت می‌گوید قرار نبود با برجام اتفاق مهمی در اقتصاد کشور رخ بدهد.

محسن صفایی فراهانی در گفت‌وگو با روزنامه آرمان با این پرسش مواجه شد که «وقتی پای درد دل بخشی از لایه‌های اجتماعی جامعه می‌نشینیم، آنها مدام می‌گویند چیزی از برجام نصیب ما نشده است. آیا این مسئله سبب نمی‌شود که انگیزه این دسته از گروه‌های اجتماعی از دادن رای مجدد به روحانی از بین برود؟» او در پاسخ گفت: هیچ توافق اقتصادی‌ای در برجام وجود ندارد، برجام تنها بستری فراهم می‌کند که بدون تحریم بتوان برنامه‌ریزی و کار کرد. برجام برای رفع تحریم‌هایی بود که در طول سال‌های ۸۵ تا ۸۸ توسط سازمان ملل وضع شد و نه برای اینکه منابع مالی وارد کشور شود. بنابراین باید پرسید اگر برجام نبود، امروز در چه شرایطی قرار داشتیم؟ با برجام همین اندازه که سفره مردم خالی‌تر نشده، اتفاق مهمی است. تصور کنید اگر برجام نبود امروز امکان صادرات نفت و نقل و انتقال پول وجود نداشت. در شرایط بدون برجام کسری بودجه کشور به بالای ۵۰ درصد افزایش می‌یافت و در این صورت سفره مردم به طور کل خالی می‌شد.

وی افزود: فراموش نکنیم در ماه ژانویه تازه برجام به نخستین سالروز تصویب خود رسید. همه افرادی که با فعالیت‌های اقتصادی آشنا بودند، می‌دانستند که با گذشت یک سال از تصویب برجام، نمی‌تواند اتفاق مهمی در اقتصاد کشور رخ دهد و قرار بر این نیست که با تصویب برجام معجزه‌ای در وضعیت معیشت مردم رخ دهد، بلکه برجام بستری فراهم می‌کند که فعالان در آن کار کنند. به همین دلیل وقتی برجام عملیاتی شده، میزان صدور نفت از روزی یک میلیون بشکه در پسا برجام به ۲/۵ میلیون بشکه می‌رسد.

صفایی فراهانی می‌گوید: قرار نیست یک اتفاق عظیم در اقتصاد ایران رخ دهد و زندگی مردم فوری متحول شود، بلکه طی برهه‌ای از زمان، کشور دچار تحریم‌های بسیار سنگین شده بود، اما پس از آن افرادی مسئولیت دستگاه دیپلماسی کشور را برعهده داشتند که تلاش کردند این تحریم‌ها را از میان بردارند. مگر جامعه بیش از این چیزی می‌خواهد! این در حالی است که شرایط کنونی آماده بازگشت به سال‌های قبل از سال ۸۹ است و این شرایط از این منظر قابل توجه است که امکان تحرک در بخش تولید، صادرات، حمل و نقل، پول و انتقال برای بانک‌های کشور به وجود آمده است.

این سخنان در حالی است که آقای روحانی گفته بود توافق باید اجرایی شود تا مشکل رکود و اشتغال و تولید و آلودگی هوا و آب خوردن مردم حل شود.

از طرف دیگر اگر دولت اکنون ۲ برابر قبل نفت می‌فروشد اما هزینه‌های جاری آن به نسبت سه سال پیش ۳/۲ برابر شده است؛ بنابراین مشکل اقتصاد کشور درآمد نیست بلکه ریخت و پاش‌ها و هدررفت منابع درآمدی است.

در همین دوره که دولت مدعی بود خزانه خالی است حداقل یک هزار مدیر نجومی حقوق و پاداش‌های چند ده و چندصد میلیونی دریافت می‌کردند و فسادهایی نظیر اختلاس در صندوق ذخیره فرهنگیان و رانت‌های سالانه ۱۵-۱۰ میلیارد دلار در خوراک پتروشیمی و... برقرار بود.

یادآور می‌شود سیاستمداران و نشریات حامی دولت مدعی بودند با هر روز اجرای برجام، ۱۰۰ تا ۱۷۰ میلیون دلار درآمد نصیب کشور می‌شود که طبیعتا در یک سال پس از اجرای برجام باید قریب ۶۰ میلیارد دلار درآمد نصیب کشور شده باشد. اما به جای اینکه اثر این دعاوی دیده شود، دلار ۷۰۰ تومان گرانتر شده و ارزش پول ملی (قدرت خرید مردم) دست‌کم ۲۰ درصد کاسته شده است.

دو تحریم هسته‌ای و موشکی جدید در دستور کار کنگره آمریکا

در آغاز به کار یکصد و پانزدهمین کنگره آمریکا، پیش‌نویس دو قطعنامه درباره ایران تسلیم دو کمیته سنا و مجلس نمایندگان شد.

صدای آمریکا در گزارشی گفت: طبق مدارک موجود «قطعنامه مشترک درباره مجوز استفاده از نیروهای مسلح آمریکا برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای» از سوی السی هستینگ نماینده دموکرات کنگره و عضو کمیسیون امنیت و همکاری اروپا - کمیسیون هلیسینکی- به کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ارائه شد.

پیش‌نویس این قطعنامه می‌گوید: «صداقت ایران در صرفنظر از ساخت سلاح اتمی دلیل موجهی برای نگرانی را ایجاد کرده است».

این پیش‌نویس تأکید می‌کند که «ایالات متحده آمریکا باید هرآنچه که لازم است را انجام دهد تا اطمینان یابد که تمامی مسیرهای ایران برای دستیابی به سلاح اتمی مسدود شده است.»

در بخش دیگری از این سند آمده است: «رئیس جمهور این اختیار را دارد تا هر زمانی که در مسیر هدف جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی لازم و مناسب تشخیص دهد، از نیروهای مسلح ایالات متحده استفاده کند.» همچنین دین‌هلر سناتور جمهوریخواه و عضو کمیته مالی سنا پیش‌نویس «طرح تحریم ایران در رابطه با برنامه موشک‌های بالستیک» را معرفی کرد که به کمیته امور بانکی سنا تسلیم شده است. در حال حاضر هیچ یک از کمیته‌های فوق زمان مشخصی را برای بررسی بیشتر دو پیش‌نویس فوق برنامه‌ریزی نکرده‌اند.

نعل وارونه دبیرکل حزب منحله درباره اقتدارگرایی

دبیرکل حزب منحله مشارکت می‌گوید اصلی‌ترین شکاف در کشور، اقتدارگرایی- دموکراسی‌خواهی است.

محسن میردامادی در جمع اعضای حزب اتحاد ملت (بازسازی شده حزب مشارکت) گفته است: در جامعه ما نمی‌توان شکاف‌هایی همچون فرادستان و فرودستان را نفی کرد، گفت: علاوه بر آن شکاف‌هایی مانند قومیت و مذهب نیز وجود دارند، ولی هیچ‌یک از این شکاف‌ها، شکاف اصلی نیستند. به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر شکاف اصلی که بر دیگر شکاف‌ها غالب شده، شکاف اقتدارگرایی- دموکراسی‌خواهی است. بسیاری از شکاف‌های دیگر همچون قومیت و مذهب نیز ذیل این شکاف قرار می‌گیرند.

وی برای توجیه بی‌پاگاهی اغلب احزاب به آلمان استناد کرد و گفت: در آلمان که حدود ۸۰ میلیون جمعیت دارد حزب سوسیالیست، حدود ۸۰۰ هزار و حزب دموکرات‌مسیحی حدود ۶۰۰ هزار عضو دارند. حزب سبز و حزب دموکرات آزاد و احزاب دیگر این کشور اعضای بسیار کمتری دارند. در مجموع در اینگونه کشورها مجموع اعضای احزاب نوعا از حدود ۲ درصد بیشتر نیست. در کشور ما نیز بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته، گفته می‌شود بین ۳ الی ۴ درصد مردم آمادگی همکاری با احزاب را دارند. اگر این درصد در مرحله عمل به ۲ و حتی ۱ درصد هم برسد، کاملا مطلوب است.

وی اظهار کرد: ما در جبهه مشارکت در بسیاری از مواقع نمی‌توانستیم پاسخگوی افرادی باشیم که می‌خواستند به عضویت حزب درآیند و این اتفاق هم مکرر رخ می‌داد، وقتی که ما چنین شرایطی داریم طبعا نمی‌توانیم بگوییم مردم به احزاب اقبال نشان نمی‌دهند بلکه نخبگانی که باید مدیریت و ظرفیت‌سازی کنند قادر به استفاده بهینه از ظرفیت‌های مردم نبوده‌اند.

میردامادی که از محکومان فتنه ۸۸ است، همچنین خواستار تشکیل دو جبهه فراگیر اصلاح‌طلب و اصولگرا شد.

میردامادی توضیح نداده آیا ایجاد دو جبهه انحصاری، نوعی تمهید اقتدارگرایی و انحصارطلبی نیست؟ از سوی دیگر حزب مشارکت و کارنامه آن، قطعا نمونه کامل اقتدارگرایی و معارضه با دموکراسی است؛ چه زمانی که برخی اعضای مهم مرکزیت آن خاتمی را اردک لنگ و شاه سلطان حسین بی‌عرضه خواندند و تهدید کردند از قطار اصلاحات پیاده‌اش می‌کنند و شعارهایی مانند عبور از خاتمی، عبور از قانون اساسی و خروج از حاکمیت سر دادند و چه روزگار فتنه ۸۸ که در مقابل انتخاب اکثریت ۲۴/۵ میلیونی مردم دعوت به آشوب علنی کردند و زیر میز دموکراسی و انتخابات و قانون زدند.

دست‌اندرکاران حزب مشارکت البته نوعاً توفیقی در جلب اعتماد مردم نداشته‌اند که نمونه آن انتخابات سال ۸۴ و اعلام نامزدی مصطفی معین بود. آنها در سال ۸۸ نیز موسوی و کروبی را قربانی مطامع خود کردند.

روحانی اگر طرفدار شفافیت است از حقوق و مزایای دولتمردان شروع کند

آقای رئیس‌جمهور اگر طرفدار شفافیت است، داوطلبانه از حقوق و مزایای دولتمردان شروع کند.

روزنامه صبح نو در یادداشتی نوشت: هفته گذشته آقای روحانی در پایان گفت‌وگوی رادیو تلویزیونی‌شان، وعده‌ای مطرح کردند که در هر صورت، باعث خوشحالی و افتخار است. ایشان با یادآوری تلاش‌ها و همت دولت برای برخورد با حقوق‌بگیران نجومی گفتند: «ما دو لایحه می‌خواهیم به مجلس دهیم، یکی لایحه شفافیت است.» آقای روحانی در همین مصاحبه قبل از بیان این خبرخوش، از تصویب ماده ۵۳ برنامه ششم توسعه در مجلس نیز با چنین عباراتی اعلام مسرت و حمایت کرده بودند: «من در آن بیانیه هم به مردم گفتم که همه دستگاه‌های اجرایی مکلفند حداکثر و حداقل حقوقشان را در سایت‌ها اعلام کنند و همه مردم بدانند. اخیرا هم مجلس شورای اسلامی در این زمینه در برنامه ششم ماده‌ای را تصویب کرد که من از مجلس هم تشکر می‌کنم، این کار بسیار خوبی است. ما همه‌چیز را باید شفاف کنیم. همه دستگاه‌ها را.» ماده ۵۳ برنامه ششم توسعه تصریح دارد: «دولت مکلف است ظرف یکسال نسبت به راه‌اندازی سامانه ثبت حقوق و مزایا اقدام نموده و امکان تجمیع کلیه پرداخت‌ها به مقامات، روسا، مدیران و کارکنان کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع این قانون را فراهم نماید. به نحوی که میزان ناخالص پرداختی به هر یک از افراد مشخص بوده و امکان دسترسی برای نهادهای نظارتی و عموم مردم فراهم شود.»

جالب آنکه چند روز قبل از این مصاحبه رئیس‌جمهور محترم، معاون معاونت اداری استخدامی آقای روحانی به عنوان بالاترین مسئول دولت در صحن مجلس شورای اسلامی، رسما و علنا خواستار حذف عبارت «و عموم مردم» از ماده قانونی فوق و در واقع محرمانه ماندن اطلاعات دریافتی مسئولان از دید عموم مردم شده بود. با خوش‌بینی می‌توان تلقی کرد که نماینده دولت در مجلس آن روز اشتباه کرده و از نظر دولت مطلع نبوده است و نظر دولت، واقعا شفاف‌سازی حقوق مسئولان برای عموم مردم است.

اگر واقعا چنین باشد که انشاءالله هست، می‌توان از رئیس‌جمهور محترم درخواست کرد اجرای شفافیت را به تدوین و تصویب لایحه آن در دولت و طی تشریفات تحویل آن به مجلس موکول نکنند و شفاف‌سازی حقوق و مزایا و اموال دولتمردان را تا بررسی و تصویب این لایحه در صحن به تاخیر نیندازند. به ویژه که به خاطر آوریم بررسی برخی لوایح حساس در مجلس شورای اسلامی (نظیر طرح رسیدگی به اموال مسئولان) گاه تا بیش از ده سال طول می‌کشد. بنابراین اگر آقای رئیس‌جمهور خواهان شفاف شدن حقوق و مزایا و دریافتی‌های مسئولان هستند، این خواسته را برای خود و اعضای کابینه‌شان اجرا کنند. اجرای شفافیت داوطلبانه حقوق و مزایای دولتمردان که به اجازه مجلس نیازی ندارد! آقای رئیس‌جمهور طرفدار شفافیت، بسم‌الله...

به جای گفت و شنود

بانو سلام

امروز که با سالروز وفات کریمه اهل‌بیت(ع)، حضرت فاطمه معصومه(س) همزمان است این ستون را در سوگ آن حضرت به بخشی از سروده شاعر متعهد کشورمان آقای هادی جان‌فدا اختصاص می‌دهیم؛

جایی که کوه خضر به زحمت بایستد
شاعر چگونه پیش تو راحت بایستد؟